Comparison of Desire and Attitude Toward Remarriage and Its Components in Divorced People with and Without Children from a Previous Marriage

Nader Ayadi*: Ph.D. in counseling, faculty of educational sciences and psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. ayadinader23@gmail.com

Mojtaba Ashouri: Ph.D. in educational psychology, department of educational sciences, faculty of educational sciences and psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran. ashoori15@yahoo.com

Rana Amini: M.Sc. in psychology of exceptional children, faculty of educational sciences and psychology, University of Tehran, Tehran, Iran. amini.rana2020@gmail.com

Reza Heydarloo: M.Sc. of psychology, department of psychology, faculty of literature and humanities, Urmia University, Urmia, Iran. heydarloo77r@gmail.com

Abstract

Introduction: Given the significant role of remarriage in enhancing post-divorce adjustment, it is essential to identify the factors that facilitate and hinder remarriage after divorce. One such factor, having children from a previous marriage, influences the willingness of divorced individuals to remarry, but it has not been thoroughly investigated. Therefore, this study aims to compare the desires and attitudes toward remarriage, along with its components, in divorced individuals with and without children from a previous marriage.

Methods: This study was a causal-comparative descriptive research project. The target population consisted of divorced individuals on the verge of remarriage in Ardabil city in 2023. From this population, one hundred twenty participants were selected, with sixty individuals assigned to each group, using a convenience sampling method. The Braaten & Rosén (1998) Attitude Towards Marriage Scale and the Heydari et al. (2004) Marriage Desire Scale were utilized to assess the variables in this research. The data were analyzed using an independent t-test in SPSS version 22.

Results: The analysis indicates no significant difference($P > 0.05$) between the mean scores of the desire to remarry and the various components of attitudes toward remarriage among divorced individuals, regardless of whether they have children from a previous marriage.

Conclusions: The findings suggest that having a child from a previous marriage does not hinder successful remarriage after divorce. However, to better prepare divorced individuals for remarriage, it is important to separately address the challenges posed by raising children in the aftermath of divorce.

Keywords

Attitude Towards Marriage, Desire to Marriage, Divorce, Remarriage

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 25 Sep 2024
Accepted: 20 Jan 2025

Please cite this article as follows: Ayadi N, Ashouri M, Amini R, and Heydarloo R. Comparison of desire and attitude toward remarriage and its components in divorced people with and without children from a previous marriage. Quarterly Journal of Social work. 2024; 13 (1); 26-35

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

مقایسه رغبت و نگرش به ازدواج مجدد و مولفه‌های آن در افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج سابق

نادر اعیادی*: دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ayadinader23@gmail.com
مجتبی عاشوری: دکتری روانشناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. ashoori15@yahoo.com
رعنا امینی: کارشناسی ارشد روانشناسی کوکان استثنایی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. amini.rana2020@gmail.com
رضا حیدرلو: کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده ادبیات و علوم‌انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. heydarloo77r@gmail.com

واژگان کلیدی

نگرش به ازدواج، رغبت به ازدواج، طلاق، ازدواج مجدد

* نویسنده مسوول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

چکیده

پیشگفتار: با توجه به نقش مهم ازدواج مجدد در بهبود سازگاری پس از طلاق، شناسایی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده از ازدواج مجدد پس از طلاق ضروری به‌نظر می‌رسد. یکی از عواملی که تاثیر آن بر تمایل افراد مطلقه به ازدواج مجدد به‌طور کامل بررسی نشده است داشتن فرزند از ازدواج سابق است. بنابراین، هدف از انجام این مطالعه مقایسه رغبت و نگرش به ازدواج مجدد و مولفه‌های آن در افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج سابق بود.

روش: پژوهش حاضر علی-مقایسه‌ای از نوع تحقیقات توصیفی بود. جامعه‌آماری این پژوهش افراد مطلقه در آستانه ازدواج مجدد شهر اردبیل در سال۱۴۰۲ بودند که از میان آن‌ها یکصد و بیست نفرمعادل شصت نفر برای هر گروه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای این پژوهش از مقیاس نگرش به ازدواج براتن و روزن۱۹۹۸ و مقیاس رغبت به ازدواج حیدری و همکاران۱۳۸۳ استفاده شد. داده‌های حاصل از این تحقیق با استفاده از آزمون t مستقل تجزیه و تحلیل شدند که برای این منظور از SPSS22 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات رغبت به ازدواج مجدد و مولفه‌های نگرش به ازدواج مجدد در افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج سابق با توجه به مقدار t و سطح معناداریدر هیچ یک از این مولفه‌ها، از نظر آماری تفاوت معناداری($P>۰/۰۵$) وجود نداشت.

پی‌آمد: با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که وجود فرزند از ازدواج سابق نمی‌تواند مانع یا عامل بازدارنده از ازدواج مجدد موفق پس از طلاق باشد، با این حال، بهتر است برای افزایش آمادگی افراد مطلقه برای ازدواج مجدد، چالش‌های ناشی از وجود فرزند در زندگی پس از طلاق به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

نحوه استناد به مقاله

نادر اعیادی، مجتبی عاشوری، رعنا امینی و رضا حیدرلو. مقایسه رغبت و نگرش به ازدواج مجدد و مولفه‌های آن در افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج سابق. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۳؛ ۱۳ (۱): ۳۵-۲۶

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

طلاق یکی از استرسزاترین حوادثی است که افراد تجربه می‌کنند. عواقب طلاق می‌تواند افراد را در تمام طول زندگی تحت‌تاثیر قرار دهد و به طریق مختلف بر سلامت جسمی و روانی آن‌ها تاثیر بگذارد.[۱و۲] برای همین، بحران زناشویی و طلاق به‌دلیل قرار گرفتن در معرض آسیب‌های روانی جدی به‌عنوان رویدادهای آسیبزا مفهوم‌سازی شده‌اند.[۳] پس از پایان یک رابطه، افراد ممکن است اشکال متعددی از فقدان‌ها از جمله از دست دادن محل سکونت که می‌تواند بر ثبات مالی تاثیر بگذارد، سیستم خانواده که در صورت درگیر شدن بچه‌ها می‌تواند پیچیده شود و هویت شخصی که فرد هویت خود را به‌عنوان شریک زندگی شخص دیگری از دست داده است؛ را تجربه کنند.[٤] درواقع، طلاق یک مشکل جدی رابطه‌ای است که در آن پیوند دلبستگی بین زوجین شکسته می‌شود و افراد مطلقه نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه از جمله نشخوار فکری، برانگیختگی، شناخت منفی و رفتار اجتنابی را تجربه می‌کنند و بیشتر از افراد متاهل بیماری‌های روانپزشکی را گزارش می‌کنند.[۵و٦] با وجود این‌که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه طلاق بر شناسایی پیامدهای منفی طلاق تاکید دارند. شواهد پژوهشی دیگر نشان می‌دهد که افراد می‌توانند با فرآیند طلاق سازگار شوند و تغییرات مثبت فردی و روانی را تجربه کنند که به آن رشد پس از سانحه می‌گویند.[۷] ازدواج دوم یکی از راه‌هایی است که می‌تواند ابعاد آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از طلاق را کاهش داده و در بهبود کیفیت زندگی افراد موثر باشد.[۸] با این حال، در کنار تاثیرات مثبت ازدواج مجدد در رشد پس از طلاق، بروز مشکل در ازدواج مجدد و به‌دنبال آن شکست در این ازدواج نه‌تنها مانع از تداوم رشد پس از آسیب در افراد مطلقه می‌شود، می‌تواند شوک روانی جبران‌ناپذیری به آن‌ها وارد کند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که نگاهی بر ادبیات پژوهشی موجود نشان می‌دهد که وقوع طلاق در ازدواج مجدد حتی از ازدواج اول هم بیشتر است به‌طوری‌که طبق گزارش‌های پژوهشی و آماری موجود پنجاه درصد از ازدواج‌های اول و شصت درصد از ازدواج‌های دوم به طلاق ختم می‌شود.[۹] مروری بر پژوهش‌های انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که از جمله دلایل اصلی تجربه شکست در ازدواج مجدد، می‌تواند حل نادرست مشکلات موجود در ازدواج قبلی در کنار مسوولیت‌ها و چالش‌های اضافی حاصل از ازدواج دوم نسبت به ازدواج اول باشد.[۱۰و۱۱] نتایج بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که مساله‌های مربوط به فرزندان مرتبط با ازدواج سابق یکی از دغدغه‌ها و چالش‌های پیشروی افراد مطلقه در ازدواج مجدد پس از طلاق است.[۱۲] در این زمینه محققان نشان داده‌اند که اگرچه بسیاری از پدر و مادرهای ناتنی با تعهد قوی برای مراقبت از فرزندان وارد ازدواج می‌شوند، اما از متناسب نبودن و طرد شدن توسط فرزندان نیز می‌ترسند.[۱۳]

آمارهای رسمی موجود در این زمینه نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر به موازات افزایش امید به زندگی در کنار افزایش نرخ طلاق، در ایران نیز تمایل به ازدواج مجدد افزایش یافته است. با این حال، باید به این نکته اشاره کرد که میزان تقاضا برای ازدواج مجدد در میان مردان و زنان مطلقه متفاوت است. به‌طوری‌که ازدواج‌های مجدد زنان مطلقه ایرانی نسبت به زنان غربی بیست و پنج درصد کمتر بوده و در مقابل نسبت ازدواج‌های مجدد مردان مطلقه ایرانی به مردان مشابه غربی شش درصد بیشتر شده است.[١٤] یکی از متغیرهایی که در زمینه گرایش افراد مطلقه به ازدواج مجدد نیازمند بررسی است، میزان رغبت به ازدواج مجدد در افراد مطلقه و عوامل موثر بر آن است. رغبت به ازدواج، تمایل فرد به انتخاب همسر و به اشتراک گذاشتن اهداف، ویژگی‌ها، افکار و نگرش‌های خود با آگاهی از اثرات مثبت و منفی آن بر زندگی است.[۱۵] محققان نشان داده‌اند که تجارب منفی ناشی از ازدواج ناموفق قبلی یکی از عوامل تاثیرگذار بر رغبت و تمایل به ازدواج مجدد افراد مطلقه است. برای همین، توصیه می‌کنند که توجه به التیام زخم‌های عاطفی این افراد قبل از هرگونه اقدام به ازدواج مجدد ضروریست.[١٦] علاوه بر این، محققان دیگر، حضانت فرزند در کنار عوامل عاملیتی و ساختاری متعدد همچون تجربیات ناخوشایند زندگی قبلی، آسیب‌های روانی و مرور خاطرات تلخ زندگی ناموفق قبلی را از جمله موانع ازدواج مجدد برشمرده‌اند.[۱۷]

علاوه بر رغبت به ازدواج که یک متغیر هیجانی است، نمی‌توان از نقش عوامل شناختی همچون نگرش و انتظارات مرتبط با ازدواج در گرایش افراد مطلقه به ازدواج مجدد غافل شد، نگرش به ازدواج است که دارای چهار مولفه نگرش بدبینانه به ازدواج، نگرش خوشبینانه به ازدواج، نگرش واقعگرایانه به ازدواج و نگرش ایده‌آلگرایانه به ازدواج است.[۲] از دیدگاه روانشناسان اجتماعی، نگرش فرد نسبت به یک پدیده به‌صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه فعل و انفعالاتی شکل نمی‌گیرد، در واقع اتخاذ و شکلگیری نگرشی خاص می‌تواند نتیجه عوامل مختلف باشد و در طول زمان صورت می گیرد.[۱۸]

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

رغبت و نگرش به ازدواج به‌عنوان یک رابطه طولانـی از اهمیـت بالای برخوردار اسـت، زیرا می‌تواند پیامدهای شادکامی، رضایت از زندگی، سلامت و بهزیستی روانی را در پی داشته و بر موفقیت یا شکست فرد تاثیر گذارد.[۱۹] محققان نشان داده‌اند که ناکامی در ازدواج اول می‌توانـد بـا ایجاد احسـاس ناایمنی در زنـان مطلقه و افزایش تـرس آن‌ها از برقراری روابـط صمیمانـه با دیگـران، باعـث ایجاد نگـرش بدبینانـه نسـبت بـه ازدواج مجدد شـود.[۲] همچنین، انتظـارات و نگرش‌های غیرواقعبینانـه و ناآمـاده بودن بـرای ازدواج مجدد پـس از ازدواج مجدد نیـز می‌تواند با تشـدید ناهمخوانی اولویت‌ها باعث کاهش کیفیت ازدواج مجدد شـود.[۲۰] افراسـیابی و خلجی پیر بلوطی[۲۱] در پژوهشـی نشـان دادند حضـور فرزند حاصل از ازدواج اول به اشکال مختلف تصمیم و اقدام زنان به ازدواج مجدد را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. این عامل با توجه به تجربه و نوع نگاه مشارکت‌کنندگان، در سـه بعد نقش دارد. یک ازطرف فرزندان که بیشـتر با ازدواج مجدد مادر خود همراهی نمی‌کنند و با اطلاع از تصمیم مادر به ازدواج مجدد، شـروع بـه ناسـازگاری‌های رفتاری می‌کنند. دومین بعد این محور به نگرانی‌های مادر از این‌که حضور در خانه همسـر جدید، مشـکلاتی برای فرزندان پیش بیاورد، مربوط می‌شـود. بعد سوم نپذیرفتن فرزندان از سوی همسر جدید است.

چارچوب مفهومی: نظریه سیستم‌های بوم‌شـناختی برونفن برنر۱۹۹٤ که پنج زمینه محیطی را در نظر می‌گیـرد، در پژوهش آبلا و همکاران[۲۲] به‌عنـوان چارچوبی مفهومی بـرای درک نگرش در مورد ازدواج مجدد در نظر گرفته شده است. سه مورد از این زمینه‌ها یعنی میکروسیستم یا ریزسیستم، سیستم کلان و کرونوسیستم یا سیسـتم زمانی به‌ویژه برای مطالعـه در ایـن زمینه مرتبـط در نظر گرفته شـده‌اند. در سطح میکروسیستم، کودکان نه تنها بر مراحل برقراری ارتباط مجدد با دیگران و با یک شریک و انتخاب شریک جدید تاثیر می‌گذارند، همچنین می‌توانند والدین را برای ازدواج تحت فشار قرار دهند. در سطح کلان سیستم، فرهنگ نقش مهمی ایفا می‌کنـد. در این زمینه کاواس[۲۳] گزارش داد کـه برای برخی از زنان بـا تحصیلات عالی و مطلقه در ترکیـه، ازدواج مجدد باعث آرامش در جامعه‌ای می‌شـود که با وجود انگ نسـبت به ازدواج مجدد، نسبت به زنان مطلقه نگران اسـت. همچنین براساس این نظریه تصمیمات طلاق و ازدواج مجدد در بافت وسیعتری از زمان اجتماعی و تاریخی صورت می‌گیرد و این به چیزی مربوط می‌شـود که برونفـن برنر۱۹۹٤ تاثیرات کرونوسیستم نامید.[۲۲]

ادبیات پژوهشـی: نگاهی به پژوهش‌هـای موجود در زمینه تاثیر فرزنـدان بر ازدواج، نشـان می‌دهد کـه معمـولا در ازدواج اول چنین تصور می‌شـود که کودکان ازدواج را برای همسران ارزشمندتر می‌کنند، زیرا نشـان‌دهنده تعهد طولانی مدت اسـت که می‌تواند به‌عنوان نوعی سـرمایه‌گذاری بلندمدت در رابطه زناشـویی نیز دیده شود که ممکن اسـت ثبات ازدواج را تقویـت کند.[۲٤] در این زمینـه برخی محققان نشـان داده‌اند که داشـتن فرزند در اولین ازدواج به میزان قابل توجهی خطر طلاق را کاهـش می‌دهد.[۲۵] با این حال، در مورد تاثیر فرزندان بر ازدواج مجدد یافته‌ها متفاوت و متناقض هسـتند. برای مثال کیم[۲٦] در پژوهشی که به واکاوی عوامل موثر بر رضایت زناشویی افراد ازدواج مجدد کرده پرداخت، نشان داد که وجود فرزند از ازدواج اول بر ازدواج مجـدد تاثیر منفی می‌گـذارد. یکی از توافقاتی که بین نویسـندگان در خصـوص تاثیر وجود فرزنـد بر کیفیت ازدواج مجـدد وجود دارد این است که آن‌ها معتقدند اگر تولد فرزند بعد از ازدواج مجدد باشد، نه تنها تاثیر منفی بر روابط زوجین نمی‌گذارد بلکه باعث افزایش ثبات در روابط زناشویی آن‌ها می‌شـود. با این حال، وجود فرزند قبل از ازدواج مجدد می‌تواند موجب افزایش چالش و اسـترس در زندگی جدید شـود.[۲۷] با وجود این‌که نتایج مطالعـات موجود در خصوص تاثیر حضور فرزند از ازدواج اول بر کیفیت زندگی زناشویی پس از ازدواج مجدد متناقض اسـت، در زمینه اقدام بـه ازدواج مجدد نیز محققان بـر این باورند که حضور فرزند از ازدواج سابق می‌تواند در احتمال و زمان ازدواج والدین به‌شـیوه‌های متفاوتی اثرگذار باشـد. برای مثال از یکسـو داشتن فرزند برای مادران مطلقه می‌تواند آن‌ها را برای کسب حمایت مالی و دریافت کمک در تربیت فرزندان به ازدواج مجدد سـوق دهد. از سوی دیگر، کودکان به‌ویژه کودکان بسـیار جوان که به مراقبت‌های ویژه نیاز دارند، ممکن اسـت شانس ازدواج مجدد مادرانشان را کاهش دهند یا آن را به تاخیر بیندازند.[۲۸] برخی دیگر از محققان نشان داده‌اند که تصمیمات حضانت در زمـان طلاق می‌تواند بر ازدواج مجدد بعدی تاثیر بگذارد، و این کـه خانواده‌های ناتنی در ایجـاد نقش‌هایی برای والدین ناتنی که

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

مکمل نقش‌های بیولوژیکی والدین هستند، به کمک نیاز دارند.[۲۹] آنچه از مروری بر پیشینه پژوهشی موجود قابل استنباط است، این است که وجود فرزند از ازدواج اول تحت تاثیر عوامل مختلف می‌تواند به‌شیوه‌های متفاوتی بر ازدواج مجدد والدین اثر بگذارد. به‌طوری که برخی از محققان بر این باورند که تجربه چالش‌های ازدواج مجدد بسته به جنسیت و زمینه فرهنگی افراد ازدواج مجدد کرده می‌تواند به‌صورت متفاوتی تجربه شود.[۳۰] دی نالو[۳۱] در پژوهشی نشان داد که در میان والدینی که حضانت فرزند را بر عهده دارند، شکاف جنسیتی مشخصی وجود دارد، زیرا میزان ازدواج مجدد مادران به میزان قابل توجهی کمتر از پدران است. نتایج بررسی‌های فرهنگی-جنسیتی در این زمینه نشان می‌دهد که در ایران، زنان ایرانی بیست و پنج درصد کمتر از همتایان غربی خود ازدواج مجدد می‌کنند.[۲۷] همچنین سن زنان عاملی دیگر در تصمیمگیری آن‌ها برای ازدواج مجدد گزارش شده است.[۱۴] برخی دیگر از پژوهشگران چنین استدلال می‌کنند که تعهدات مالی و اختصاص زمان به مراقبت از کودک، فرصت‌های والدین را برای ازدواج جدید کاهش می‌دهد. به‌خصوص اگر بیش از یک کودک تحت تکفل وجود داشته باشد و حتی بیشتر از این اگر همه یا برخی از فرزندان خیلی جوان باشند، احتمال یافتن شریک زندگی جدید کاهش می‌یابد.[۳۲] علاوه‌براین، در بررسی نقش فرزندان بر ازدواج مجدد والدین برخی از پژوهشگران با برجسته‌سازی اهمیت سن و دوره رشدی این فرزندان نشان داده‌اند که کودکان در سن نوجوانی و پیش نوجوانی به‌دلیل نیاز به خودمختاری سخت‌تر ازدواج مجدد والدین را قبول می‌کنند، اما در سنین پایینتر پذیرش آسانتر می‌شود و هرچه خلق‌وخو و مهارت اجتماعی کودک بهتر باشد، توانایی سازگاری او با زندگی جدید بیشتر می‌شود.[۲۷] با توجه به مبانی پژوهشی موجود در زمینه نقش مهم فرزندان در کیفیت زندگی پس از طلاق افراد مطلقه، بررسی تاثیر وجود یا نبود فرزند از ازدواج سابق بر گرایش افراد مطلقه به ازدواج مجدد ضروری به‌نظر می‌رسد. لذا با در نظر گرفتن تناقض موجود در مطالعات انجام شده از یکسو و از طرفی به‌دلیل فقدان پژوهش داخلی و خارجی در زمینه مقایسه موانع پیشروی افراد مطلقه برای اقدام به ازدواج مجدد، هدف این مطالعه بررسی مقایسه‌ای رغبت و نگرش به ازدواج مجدد پس از طلاق و مولفه‌های آن در زنان با و بدون فرزند از ازدواج اول بود.

روش

پژوهش حاضر علی-مقایسه‌ای از نوع تحقیقات توصیفی بود. جامعه‌آماری این پژوهش افراد مطلقه در آستانه ازدواج مجدد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره ازدواج و خانواده شهر اردبیل در سال۱۴۰۲ بودند که از میان آن‌ها پنج مرکز مشاوره به‌عنوان مراکز هدف و به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. از میان مراجعان این مراکز افرادی که طلاق گرفته بودند و با توجه به معیارهای ورود به این پژوهش در شرایط ازدواج مجدد قرار داشتند، تعداد یکصد و بیست نفر معادل شصت نفر برای هر گروه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند که در نهایت با کنارگذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص پر شده جمعا یکصد و هجده پرسشنامه به‌عنوان داده‌های نهایی تحقیق حاضر انتخاب شدند.

سنجه‌های ورود و خروج

ورود: داشتن تجربه طلاق، گذشت حداقل دو سال از طلاق به این دلیل که افراد مطلقه معمولا سال‌های اول طلاق به‌دلیل شدت هیجانات تجربه شده پس از طلاق ممکن است تمایل چندانی به ازدواج مجدد نداشته باشند، ازدواج مجدد نکردن پس از طلاق، داشتن سواد خواندن و نوشتن و توانایی پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، تمایل به شرکت در پژوهش. **خروج:** ازدواج مجدد پس از طلاق، برگشت به ازدواج قبلی، داشتن سابقه طلاق کمتر از دو سال، ناتوانی در پاسخ به پرسشنامه‌ها، فقدان میل به ادامه همکاری در پاسخ به پرسشنامه‌ها.

علاوه بر موارد ذکر شده، به‌منظور رعایت اصول اخلاقی در پژوهش، در کنار پرسشنامه‌های پژوهش یک فایل بیانیه اخلاقی هم پیوست شد که در آن ضمن توضیح اهداف تحقیق و بی‌نیازی پرسشنامه به ذکر مشخصات شخصی، به شرکت‌کنندگان بابت محرمانه ماندن اطلاعات شخصیشان اطمینان داده شد و در نهایت در کنار اعلام اختیاری بودن شرکت در پژوهش از آن‌ها خواسته شد تا در صورت رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، فرم رضایت آگاهانه پیوستی را امضا کنند.

شیوه اجرای پژوهش به این صورت بود که محققان بعد از هماهنگی با مسوولان مراکز مشاوره ازدواج و خانواده شهر اردبیل و

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

جلب رضایت آن‌ها برای مشارکت در اجرای تحقیق حاضر و بعد از توضیح کامل اهداف و اهمیت انجام پژوهش از آن‌ها خواستند تا پرسشنامه‌های موردنظر را در اختیار داشته باشند و در صورت مراجعه افرادی که طلاق گرفته بودند و با توجه به معیارهای ورود به این پژوهش در شرایط ازدواج مجدد قرار داشتند، ضمن تشریح اهداف پژوهش و اخذ رضایت کتبی آن‌ها برای شرکت در پژوهش، پرسشنامه‌ها و فایل پیوستی بیانیه اخلاقی را در اختیار آن‌ها قرار دهند. در نهایت بعد از تکمیل یکصد و بیست پرسشنامه در این مراکز، یکصد و هجده پرسشنامه جهت انجام تجزیه‌وتحلیل آماری وارد نرم‌افزار SPSS22 شدند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها ضمن استفاده از شاخص‌های توصیفی، از آزمون t مستقل جهت مقایسه نمرات دو گروه استفاده شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه نگرش به ازدواج: این پرسشنامه توسط براتن و روزن در سال۱۹۹۸ ساخته شده است که دارای بیست و سه سوال است که نگرش افراد به ازدواج را از ابعاد مختلفی مثل نگرش بدبینانه به ازدواج، نگرش خوشبینانه به ازدواج، نگرش واقعگرایانه به ازدواج، نگرش ایده‌آلگرایانه به ازدواج می‌سنجد. طیف پاسخ‌دهی آن از نوع لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملا موافق برابر یک تا کاملا مخالف برابر پنج می‌باشد. البته این شیوه نمره‌گذاری در مورد سوالات شماره یک، سه، پنج، هشت، دوازده، شانزده، نوزده، بیست، بیست و سه معکوس است. در ایران در پژوهش نیلفروشان و همکاران[۳۳] روایی محتوایی و همگرای این مقیاس تایید گردید و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ صفر ممیز هفتاد و شش صدم به‌دست آمد که حاکی از مطلوب بودن پایایی این پرسشنامه است.

پرسشنامه رغبت به ازدواج MDQ: این پرسشنامه توسط حیدری و همکاران در سال۱۳۸۳جهت سنجش رغبت به ازدواج ساخته شد که حاوی بیست و سه سوال پنج گزینه‌ای است. نمره‌گذاری این پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت پنج درجه‌ای صورت می‌گیرد که در آن کاملا موافقم بربرابر پنج و کاملا مخالفم برابر یک نمره‌گذاری می‌شود. سوال‌های سه، چهار، پنج، هشت، ده، دوازده، چهارده، شانزده، هفده، بیست، بیست و یک به‌صورت معکوس نمره‌گذاری شده‌اند. روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه توسط اساتید مشاوره تایید شده است و پایایی این پرسشنامه نیز با روش یازآزمون، با فاصله زمانی دو هفته برابر صفر ممیز هشتاد و نه صدم و آلفای کرونباخ آن برابر با صفر ممیز نود و دو صدم گزارش شده است.[۳۴]

یافته‌ها

ویژگی‌های دموگرافیک مربوط به اعضای دو گروه در جدول شماره یک آمده است. یافته‌های جدول شماره یک نشان می‌دهد که در هر دو گروه فراوانی زن‌ها بیشتر از مردهاست. با این حال، از نظر توزیع متغیر سن در دو گروه، در گروه دارای فرزند از ازدواج سابق بیشتر شرکت‌کنندگان بالای سی سال بودند ولی در گروه بدون فرزند از ازدواج سابق بیشتر شرکت‌کنندگان در رده سنی زیر سی سال قرار داشتند. علاوه‌براین، نتیجه آزمون کآی‌دو نشان داد که از نظر توزیع فراوانی متغیر جنسیت X^2=۰/۰۶۵و df=۱،p=۰/۷۸۰ بین دو گروه تفاوت معناداری وجود نداشت. اما در متغیر سن X^2=۲۰و df=۱،p=۰/۰۰۰ و متغیر تحصیلات X^2=۶/۰۰۰و df=۵،p=۰/۰۰۵ بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده شد که این مورد به‌دلیل دشواری دسترسی به نمونه‌های همگن برای شرکت در پژوهش بود. با این حال، به‌دلیل مشاهده نشدن تفاوت معنادار میان گروه‌ها در متغیرهای اصلی پژوهش که در جدول شماره دو گزارش شده است، می‌توان بیان کرد که نتیجه پژوهش تحت تاثیر ناهمگنی گروه‌ها از نظر متغیرهای دموگرافیک قرار نگرفته است. جدول شماره دو نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات رغبت به ازدواج مجدد و مولفه‌های نگرش به ازدواج مجدد در

جدول(۲) نتایج آزمون t مستقل در مقایسه نمرات رغبت و نگرش به ازدواج مجدد در دو گروه

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج	*	۱۶/۱۵	۲/۸۱	۱/۹۶۴	۱۱۶	۰/۰۵۲
	**	۱۷/۲۲	۳/۰۸			
نگرش ایده‌آل‌گرایانه به ازدواج	*	۷/۸۹	۲/۰۶	۰/۸۴۲	۱۱۶	۰/۴۰۱
	**	۸/۱۸	۱/۶۲			
نگرش بدبینانه به ازدواج	*	۲۶/۹۸	۳/۱۷	۰/۲۴۳	۱۱۶	۰/۸۰۸
	**	۲۷/۲۰	۶/۲۰			
نگرش خوش‌بینانه به ازدواج	*	۱۲/۵۴	۳/۶۳	۰/۴۹۸	۱۱۶	۰/۶۱۹
	**	۱۲/۸۶	۳/۳۸			
رغبت به ازدواج مجدد	*	۴۷/۶۴	۸/۷۲	-۱/۲۰۲	۱۱۶	۰/۲۳۲
	**	۴۵/۶۲	۹/۴۸			

* دارای فرزند از ازدواج اول ** بدون فرزند از ازدواج اول

جدول(۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مربوط به اعضای هر دو گروه

متغیر		فرزند از ازدواج اول			
		دارد		ندارد	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۸	۵۰/۹۱	۲۷	۴۹/۰۹
	زن	۳۱	۴۹/۲۰	۳۲	۵۰/۸۰
تحصیلات	ابتدایی	۱۲	۲۰/۳۳	۹	۱۵/۲۵
	راهنمایی	۲	۳/۳۹	۹	۱۵/۲۵
	دیپلم و فوق	۳۳	۵۵/۹۳	۲۷	۴۵/۷۷
	کارشناسی	۹	۱۵/۲۵	۱۲	۲۰/۳۳
	ارشد و +	۳	۵/۰۸	۲	۳/۳۹
سن	۳۰>	۱۲	۲۰/۳۳	۳۶	۶۱/۰۱
	۳۰<	۴۷	۷۹/۶۷	۲۳	۳۸/۹۹

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

افـراد مطلقه دارای فرزند از ازدواج سـابق و میانگین مولفه‌های نگرش بـه ازدواج مجدد در افراد مطلقه بدون فرزند از ازدواج مجدد با توجه به مقدار t و سطح معناداری(P>۰/۰۵) در هر هیچ از این مولفه‌ها، از نظر آماری تفاوت معناداری وجود ندارد.

هدف پژوهش حاضر مقایسه نمرات رغبت به ازدواج مجدد و مولفه‌های نگرش به ازدواج مجدد در افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج سابق بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین افراد مطلقه دارای فرزند با افراد مطلقه بدون فرزند از ازدواج اول از نظر هیچ‌کدام از مولفه‌های نگرش به ازدواج تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته با نتیجه مطالعه افراسیابی و خلجی پیر بلوطی[۲۱] همسـو نیسـت. چراکه آن‌ها در پژوهشی وجود فرزند از ازدواج سابق را به‌عنوان مانعی برای ازدواج مجدد موفق والدین معرفی کردند و نشـان دادند که حضور فرزند حاصل از ازدواج اول به اشـکال مختلف تصمیم و اقدام زنان به ازدواج مجدد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین، این یافته با نتایج مطالعه دلیل‌گو و همکاران[۱۷] همسـو نیسـت که در پژوهش خود حضانت فرزند در کنار عوامل عاملیتی و سـاختاری متعدد همچون تجربیات ناخوشـایند زندگی قبلی، آسیب‌های روانی و مرور خاطرات تلخ زندگی ناموفق قبلی را از جمله موانع ازدواج مجدد برشمرده‌اند.

نکته‌ای که در تبیین یافته حاصل از آزمون فرضیه حاضر مبنی بر مشاهده نشدن تفاوت در نگرش به ازدواج مجدد بین افراد مطلقه با و بدون فرزند از ازدواج اول باید به آن توجه کرد این اسـت که معمولا با توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی کشـور ما که در آن ازدواج مجدد مردان به‌مراتب قابل‌پذیرشـتر و راحت‌تر از زنان صورت می‌گیرد، فقدان تفاوت معنادار در نگرش به ازدواج مجدد بیان شـده از سـوی شرکت‌کنندگان این پژوهش می‌تواند ناشـی از همین دیدگاه باشد. چراکه در پژوهش حاضر تعداد شـرکت‌کنندگان مرد بیشتر از شـرکت‌کنندگان زن بود. این در حالی است که بیشـتر پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که زنان مطلقه به‌ویژه در جامعه ایرانی با محدودیت و دشواری بیشتری برای ازدواج مجدد مواجه می‌شوند که این موانع از حضور فرزند گرفته تا بافت فرهنگی و قومی که در آن زندگی می‌کنند متغیر اسـت. به‌طوری‌که طبق گزارش‌ها مشـخص شده است که زنان ایرانی بیسـت و پنج درصد کمتر از همتایان غربی خود ازدواج مجدد می‌کنند.[۲۷] همچنین، سـن زنان عاملی دیگر در تصمیمگیری آن‌ها برای ازدواج مجدد گزارش شده است.[۱۴] در تبیین این مورد می‌توان به‌نظریه سیسـتم‌های بوم‌شناختی برونفن برنر۱۹۹۴ رجوع کرد که بر اساس این نظریه، فرد تحت‌تاثیر سیستم‌های پیچیده‌ای از روابط قرار می‌گیرد که چندین سطح از محیط بر او تاثیر می‌گذارند. بنابراین، نبود تفاوت معنادار در نمرات نگرش به ازدواج مجدد افـراد مطلقـه دارای فرزند از ازدواج اول در مقایسـه با آن‌هایی که از ازدواج اول فرزندی ندارنـد، نه‌تنها می‌تواند تحت‌تاثیر تجـارب فردی منفی مرتبط با ازدواج اول قرار بگیرد، به‌علاوه میزان دریافت حمایت خانواده و همچنین، متغیرهای شـغلی و اقتصادی هم در قالب برون سیسـتم می‌توانند بر این نگرش تاثیر بگذارند. علاوه بر این، در سـطح کلان سیستم، فرهنگ نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین، چون اعضای هر دو گروه از یک جامعه بودند، لذا به‌دلیل وجود ارزش‌ها و آداب‌ورسـوم و زمینه‌هـای فرهنگی مشـترک ممکن اسـت که تفاوت چندانی در نگـرش آن‌ها به ازدواج مجدد پس از طلاق مشـاهده نشـود چراکه بافت فرهنگی حاکم بر آن‌ها نگاه یکسـانی به این موارد دارد.[۲۲] به‌طوری‌که در تایید این مطلب روانشناسان اجتماعی معتقدند که نگرش فرد نسبت به یک موضوع به‌صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه فعل و انفعالاتی شکل نمی‌گیرد. اتخاذ و شکلگیری نگرشی خاص می‌تواند نتیجه عوامل مختلف باشد و در طول زمان صورت بگیرد.[۱۸]

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بین افراد مطلقه دارای فرزند با افراد مطلقه بدون فرزند از ازدواج اول در رغبت به ازدواج مجـدد تفـاوت معناداری وجود ندارد. این یافته با نتیجه مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه ناهمسـو اسـت. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش کیم[۲۶] اشاره کرد که در پژوهشی که به واکاوی عوامل موثر بر رضایت زناشویی افراد ازدواج مجدد کرده پرداخت. او نشان داد که وجود فرزند از ازدواج اول بر ازدواج مجدد تاثیر منفی می‌گذارد. علاوه بر این، محمدی و محمدی[۲۷] در پژوهش ناهمسوی دیگر با یافته تحقیقی حاضر نشان دادند که یکی از چالش‌های اصلی افرادی که ازدواج مجدد کرده‌اند مشکلات حضور فرزندان است. تا جایی که گاهی حضور خود فرزند مانعی در برابر ازدواج مجدد می‌شود که خود را در قالب مشکلات رفتاری و تحصیلی نشان می‌دهد. همچنین کو و همکاران[۲۸] در پژوهشی ناهمسو با نتیجه پژوهش

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

حاضر نشان دادند که کودکان به‌ویژه کودکان بسیار جوان که به مراقبت‌های ویژه نیاز دارند، ممکن است شانس ازدواج مجدد مادرانشان را کاهش دهند یا آن را به تاخیر بیندازند. در تبیین تاثیر عواملی همچون سن فرزندان یا ویژگی‌های شخصیتی و جنسیتی افراد مطلقه در کاهش یا افزایش رغبت آن‌ها به ازدواج مجدد براساس نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی برونفن برنر۱۹۹٤ می‌توان به سیستم زمانی یا کرونوسیستم اشاره کرد مبنی بر این‌که محیط در تاثیرگذاری بر افراد ایستا عمل نمی‌کند یعنی افراد را به‌طور یکسان تحت تاثیر قرار دهد. افراد برخی تغییرات بوم‌شناختی را تجربه می‌کنند که باعث تغییر وسعت زیرسیستم‌های آن‌ها می‌شود. این تغییرات هم درونی و هم بیرونی هستند که در زمینه تغییرات درونی اعتقاد بر این است که افراد خود نقش فعالی در تغییر موقعیت زندگی خود بازی می‌کنند. در این زمینه تصمیم برای طلاق یا ازدواج مجدد یا فرزندآوری به‌عنوان نقاط عطف در زندگی افراد، از جمله تغییرات بوم‌شناختی هستند که تحت تاثیر سن، ویژگی‌های جسمانی و شخصیتی و همچنین فرصت‌های محیطیشان قرار می‌گیرد. مدل زیست‌بوم‌شناختی برونفن برنر به والدین مطلقه و همچنین فرزندانشان کمک می‌کند تا آگاهی خود را نسبت به چالش‌های ارتباطی مرتبط با شرایط موقعیت منحصربه‌فردشان در خانواده جدید پس از طلاق افزایش دهند. [۳۵] در مجموع با توجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که وجود فرزند از ازدواج سابق به‌خودی‌خود نمی‌تواند به‌عنوان مانعی برای تصمیمگیری و یا اقدام برای ازدواج مجدد والد سرپرست عمل کند. لذا، یافته این پژوهش می‌تواند ضمن اصلاح نگرش منفی در خصوص تاثیر منفی حضور فرزند از ازدواج سابق، به‌عنوان عاملی در کاهش نگرانی والدین از پذیرش حضانت فرزندان خود عمل کند و از این طریق نقش مهمی در ارتقای بهزیستی روانی والدین و فرزندان ایفا کند. با این حال پیشنهاد می‌شود تاثیر حضور فرزندان در زندگی پس از ازدواج مجدد نیز به‌صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد.

راه‌بست‌ها: از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر دشواری دسترسی به نمونه‌های همگن از نظر ویژگی‌های دموگرافیک در گروه‌های موردمطالعه بود که می‌تواند بر نتیجه پژوهش تاثیرگذار باشد که این امر نیازمند بررسی بیشتر در مطالعات آتی است. علاوه بر این، ناتوانی در کنترل دقیق تاثیر ویژگی‌های دموگرافیک همچون سن و جنسیت در کنار ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نقش آن‌ها در گرایش والدین به ازدواج مجدد یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود.

پیشنهادها: با درنظرگرفتن محدودیت‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی در این زمینه ضمن اجرای پژوهش مشابهی در وسعت بزرگتر و با شرکت‌کنندگان بیشتر، تاحدامکان به‌منظور نتیجه‌گیری صریح در رابطه با موضوع موردنظر، کنترل دقیق متغیرهای مداخله‌گر و مزاحم مورد توجه قرار گیرد. همچنین، با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود برای افزایش آمادگی افراد مطلقه برای ازدواج مجدد، چالش‌های ناشی از وجود فرزند در زندگی پس از طلاق به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

سپاسگزاری: به این وسیله از شرکت‌کنندگان محترم در پژوهش و همه مسوولان مراکز مشاوره در شهر اردبیل که در انجام هر چه بهتر این پژوهش ما را یاری نمودند، قدردانی به‌عمل می‌آید.

تضاد منافع: نویسنده مقاله متعهد می‌شود که در این پژوهش هیچ نوع تعارض منافعی بین نویسندگان، یا افرادی خارج از تیم و یا سازمان‌ها، ادارات، ارگان‌ها و... وجود ندارد.

منابع

References:

1. Arianfar N, Zamanshoar E, Rasuli R, Yusefzade I. Common themes in the divorce transition experience of women based on their locus of control. Journal of Divorce & Remarriage, 2020, 61(3), 206-224. https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1699369

2. Ayadi N, Ranjbar M, Kasirloo Y, Zarein F. Prediction of pessimistic attitude towards remarriage based on insecure attachment style and fear of intimacy in divorced women. International Journal of Psychology

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

(IPA), 15(1), 2021, 205-224. https://ijpb.ir/article-1-382-en.html
3. Kaleta K, & Mróz J. Posttraumatic growth and subjective well-being in men and women after divorce: The mediating and moderating roles of self-esteem. International Journal of Environmental Research and Public Health, 2023, 20(5), 3864. https://doi.org/10.3390/ijerph20053864
4. Hollenbaugh KMH, Strauss LM, Feldmann TM, Oyeniyi O, Vashisht K. An exploration of counselors' beliefs and approaches for relationship loss. Journal of Loss and Trauma, 2020, 25(2), 159-172. https://doi.org/10.1080/15325024.2019.1664126
5. Wong S. L. EMDR-based divorce recovery group: A case study. Journal of EMDR Practice and Research, 2018, 12(2), 58-70. http://dx.doi.org/10.1891/1933-3196.12.2.58 https://www.researchgate.net/publication/325278349_EMDR-Based_divorce_recovery_group_A_case_study
6. Slanbekova G, Chung M. C, Abildina S, Sabirova R, Kapbasova G, & Karipbaev B. The impact of coping and emotional intelligence on the relationship between posttraumatic stress disorder from past trauma, adjustment difficulty, and psychological distress following divorce. Journal of Mental Health, 2017, 26(4), 334-341. https://doi.org/10.1080/09638237.2017.1322186
7. Bahonar F, Etemadi O, & Salehi K. Dimensions of post-traumatic growth resulting from parental divorce among young Iranian women. Journal of Loss and Trauma, 2023, 1-23. http://dx.doi.org/10.1080/15325024.2023.2236018
8. Orojloo S, & Khodabakhshi Koolaee A. Comparison between Personality Traits and Hope among Female-headed Households with or without Tendency towards Remarriage. Salāmat-I Ijtimāī (Community Health), 2016, 3(2), 101–110. [Persian]. https://journals.sbmu.ac.ir/ch/index.php/ch/article/view/11768
9. Mirecki RM, Chou JL, Elliott M, Schneider CM. What factors influence marital satisfaction? Differences between first and second marriages. Journal of Divorce & Remarriage, 2013, 54(1), 78-93. https://doi.org/10.1080/10502556.2012.743831
10. Widiastuti D. Marital satisfaction in individuals who remarry after divorce. In International Conference on Psychological Studies. 2021, 131-137. Atlantis Press. https://doi.org/10.2991/assehr.k.210423.019
11. Saint-Jacques MC, Robitaille C, Godbout É, Parent C, Drapeau S, Gagne MH. The processes distinguishing stable from unstable stepfamily couples: A qualitative analysis. Family Relations, 2011, 60(5), 545-561. https://doi.org/10.1111/j.1741-3729.2011.00668.x
12. Balali E, Ramezani R. A qualitative study of women's challenges in second marriage. Women's Strategic Studies, 2023, 25(99), 165-206.[Persian]. https://www.jwss.ir/article_183320.html?lang=en
13. Sweet M. (Dissertation). Formation and features of a stepparent identity. Institute for Clinical Social Work, 2001. (Chicago). https://issuu.com/icsw/docs/sweet_2001
14. Naseri E, Yazdkhasti B. Sociological factors related to the lack of remarriage of widows (Case study: Sponsored women in Sanandaj). Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development), 2019, 14(1), 31-60. [Persian]. https://qjsd.scu.ac.ir/article_15265.html?lang=en
15. Haslam C, Montrose VT. Should have known better: The impact of mating experience and the desire for marriage upon attraction to the narcissistic personality. Personality and Individual Differences, 2015, 82, 188-192. https://doi.org/10.1016/j.paid.2015.03.032
16. Ayadi N, Zolghadri P, Zarein F, Ranjbar M. The role of insecurity in attachment and fear of intimacy in predicting the desire for remarriage in divorced women. Journal of Family Relations Studies, 2024, 4(15), https://jhrs.uma.ac.ir/article_3119.html
17. Dalilgoo S, Vahida F, Mohajerani A, Esmaieli R. Reduction of tendency to remarriage:(Case study of female household heads in Isfahan). Journal of Social Problems of Iran, 2017, 7(2), 31-52. [Persian]. https://jspi.khu.ac.ir/browse.php?a_id=2645&slc_lang=en&sid=1&printcase=1&hbnr=1&hmb=1
18. Willoughby BJ, Hall SS, Luczak HP. Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. Journal of Family Issues, 2015, 36(2), 188-211. https://psycnet.apa.org/

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

doi/10.1177/0192513X13487677
19. Hartwell LP, Erchull MJ, Liss M. Desire for marriage and children: A comparison of feminist and non-feminist women. Gender Issues, 2014, 31, 102-122. https://link.springer.com/article/10.1007/s12147-014-9120-3
20. Yekleh M, Mohsenzade F, Zahrakar K. Study of quality of remarriage after divorce grounded theory method. Quarterly Journal of Social Work, 2018, 7(3), 17-31. [Persian]. http://socialworkmag.ir/article-1-442-en.html
21. Afrasiabi H, Khalaji Pirbalooti M. A study of the constructions of remarriage by divorced woman taking a grounded theory approach. Biquarterly Journal of Sociology of Social Institutions, 2022, 9(19), 239-256. [Persian]. https://ssi.journals.umz.ac.ir/article_3872.html?lang=en
22. Abela A, Casha C, Debono M, Lauri MA. Attitudes about remarriage in Malta. Journal of Divorce & Remarriage, 2015, 56(5), 369-387. https://doi.org/10.1080/10502556.2015.1046799
23. Kavas S. (Dissertation). Post divorce experience of higly educated and professional women. Middle East Technical University, 2010. https://open.metu.edu.tr/handle/11511/19767
24. Bellido H, Molina JA, Solaz A, Stancanelli E. Do children of the first marriage deter divorce?. Economic Modelling, 2016, 55, 15-31. https://doi.org/10.1016/j.econmod.2016.01.023
25. Tilson D, Larsen U. Divorce in Ethiopia: The impact of early marriage and childlessness. Journal of Biosocial Science, 2000, 32(3), 355-372. https://doi.org/10.1017/S0021932000003552
26. Kim H. Exploratory study on the factors affecting marital satisfaction among remarried Korean couples. Families in Society, 2010, 91(2), 193-200. https://doi.org/10.1606/1044-3894.3977
27. Mohammadi R, Mohammadi Z. Challenges for remarriage of women with children: A qualitative study. Woman in Development & Politics, 2019, 17(1), 97-119. [Persian]. https://jwdp.ut.ac.ir/article_71924.html?lang=en
28. Koo HP, Suchindran CM, Griffith JD. The effects of children on divorce and re-marriage: A multivariate analysis of life table probabilities. Population Studies, 1984, 38(3), 451-471. https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00324728.1984.10410303
29. Crosbie-Burnett M. Impact of custody arrangement and family structure on remarriage. Journal of Divorce, 1989, 13(1), 1-16. https://doi.org/10.1300/J279v13n01_01
30. Anderson ER, Greene SM. Beyond divorce: Research on children in repartnered and remarried families. Family Court Review, 2013, 1(51), 119-130. https://doi.org/10.1111/fcre.12013
31. Di Nallo A. Gender gap in repartnering: The role of parental status and custodial arrangements. Journal of Marriage and Family, 2019, 81(1), 59-78. https://doi.org/10.1111/jomf.12527
32. Huerta MC, Adema W, Baxter J, Lausten M, Han WJ, Lee R, Waldfogel J. Fathers' leave, fathers' involvement and child development: Are they related? Evidence from four OECD countries.OECD Social, Employment and Migration Working Papers. 14 January 2013. https://doi.org/10.1787/5k4dlw9w6czq-en
33. Nilforoshan P, Navidian A, Abedi A. Studying the psychometric properties of marital attitude scale. Iranian Journal of Psychiatric Nursing, 2013; 1(1), 35-47. [Persian]. http://ijpn.ir/article-1-59-en.html
34. Saqqezi A, YazdaniEsfidvajani H. Predict marriage desire based on premarital Relationship attitude: Control the role of gender and experience the relationship with the opposite sex. Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ), 2020, 9(7), 139-146. [Persian]. https://frooyesh.ir/article-1-2086-en.html
35. Ebersohn S, Bouwer AC. A bio-ecological interpretation of the relationship challenges in the context of the reconstituted family. South African Journal of Education, 2015, 35(2), 1039-1039. https://www.ajol.info/index.php/saje/article/view/118002

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]